

همچنان پیش روی دولت جدید خواهد بود. به گزارش شبکه الفرات، تجربه تاریخی نشان می دهد عراق تنها زمانی می تواند از این بن بست عبور کند که سه محور اصلی به توافق نسبی برسند. اگر مصالحه حاصل نشود، کشور وارد دوره ای طولانی از چانه زنی و کشمکش سیاسی خواهد شد که می تواند نفع تنها تشکیل دولت؛ بلکه روند اصلاحات اقتصادی و خدمات عمومی را نیز به تأخیر بیندازد. »

▼ یکه نازی جبهه شیعیان در انتخابات عراق

روزنامه جوان نیز تیر یک شماره شنبه خود را به این انتخابات اختصاص داده بود. این روزنامه نوشت: «پیروزی مجدد جریان های شیعی در انتخابات پارلمانی پیامدهای مهم سیاسی و امنیتی برای عراق دارد. از منظر سیاسی، این موفقیت نفوذ جریان های شیعی را در چیشن کابینه و انتخاب نخست وزیر و ساختارهای کلیدی دولت تثبیت می کند و امکان تأثیرگذاری مستقیم بر سیاست داخلی و روابط خار جی عراق را افزایش می دهد. از لحاظ امنیتی، حضور قدرتمند جریان های حامی مقاومت در پارلمان، قدرت این جریان ها را برای حفظ ثبات داخلی و مقابله با تهدیدهای فرامنطقه ای تقویت می کند. این پیروزی همچنین پیام روشنی به آمریکا و متحدانش دارد که تلاش هایشان برای حذف جریان های مقاومت از دایره قدرت بی نتیجه بوده و ملت عراق حاضر نیست سرنوشت خود را به دیکته قدرت های خارجی بسپارد. این درحالی است که واشنگتن و رژیم صهیونیستی در هفته های اخیر با تهدیدات فراینده و احتمال حمله به مواضع گروه های مقاومت سعی داشتند فضای داخلی عراق را مرعوب کنند و نگذارند گروه های شیعی اکثریت پارلمان را به دست بگیرند ولی عراقی ها با درک واقعیت های منطقه و با هدف خنثی سازی نقشه دشمنان، در پای صندوق های رأی حضور یافتند. آمریکا انتظار داشت با ناکامی جریان های شیعی و ورود نمایندگان موردنظر خود به پارلمان، گروه های حشدالشعبی را منحل کند و برای همیشه از دست این گروه ها که سدارا برنامه های استراتژیک واشنگتن به شمار می روند، رهایی یابد، اما بار دیگر تلاش هایش با شکست مواجه شد. بنابراین، پیروزی چشمگیر جریان های شیعی با حمایت گسترده مردم، واشنگتن و تل آویو را وادار خواهد کرد در راهبردها و سیاست های خود در قبال عراق تجدیدنظر کنند.»

▼ رابطه راهبردی با آمریکا و رابطه دوستانه با ایران

قاسم محبعلی، مدیرکل پیشین خاور میانه در وزارت امور خارجه درباره این روایت از نتایج انتخابات پارلمان عراق به هم میهن گفت: «نتایج انتخابات عراق نشان می دهد که ائتلاف آقای سودانی در جایگاه نخست ایستاد،

پس از آن ائتلاف مربوط به اهل سنت بود و جایگاه سوم نیز به ائتلاف آقای نوری المالکی رسید که به عنوان جریان نزدیک تر به ایران شناخته می شود. باید دید که برد نیروهای نزدیک به ایران که گفته می شود، منظورش دقیقاً چیست. در حال حاضر شانس نخست وزیری مجدد سودانی بیشتر است هر چند که عراق، رویه بر این اساس بوده که برنده تکلیف نخست وزیری را به تنهایی مشخص نمی کند. مجموعه ای عوامل مانند مذاکرات میان ائتلاف ها، ملاحظات داخلی، نظرات قبایل و جریانات خار جی مانند آمریکا، ایران و عربستان در موضوع نخست وزیر، رئیس جمهور و کابینه تعیین کننده هستند.»

او ادامه داد: «السودانی نشان داد که سیاستمدار هوشمندی است. از یک سو قابل توجه اعراب است. از سوی دیگر توانست موازنه روابط عراق میان آمریکا و ایران را برقرار کند. این هوشمندی را از یک طرف پس از ۷ اکتبر نشان داد که اجازه نداد عراق مانند لبنان و سوریه و یمین درگیر جنگ با اسرائیل شود. اوج این درگیری و تحولات هم که جنگ ۱۲ روزه بود و السودانی توانست عراق را از منازعه آمریکا و ایران بیرون بکشد. به خصوص اینکه در آن زمان موضوع حمله ایران به پایگاه های آمریکا در عراق مطرح شد اما دیدیم که این اتفاق رخ نداد و ایران احتیاط کرد.»

محبعلی تاکید کرد: «سیاست السودانی ایسن بود که عراق را به جهان

عرب برگرداند و مناسبات راهبردی بغداد با آمریکا را حفظ کند. شرایطی به وجود بیآورد که نیروهای ائتلاف بین المللی از عراق خارج شوند و خلع سلاح گروه های مسلح خارج از دولت را تحقق بخشد. این ها مسائلی هستند که مورد توجه کشورهای عربی، آمریکا و اروپا قرار دارد و مجموع این سیاست ها نشان می دهد که السودانی موقعیت بهتری برای نخست وزیری دارد. اگر ایران این را پیروزی می داند، روایتی که مطرح می شود درست است. اما به طور طبیعی و در این وضعیت، طبیعی است که گروه های حشدالشعبی و جریان مالکی احتمالاً شانس بالایی برای نخست وزیری نداشته باشند.»

مدیرکل پیشین خاور میانه در وزارت امور خارجه اظهار داشت: «السودانی بیشتر از اینکه دنبال ایجاد توازن در روابط عراق با ایران و آمریکا باشد، دنبال یک عراق مستقل است. در فضایی که عراق با مسائل منطقه ای و مسائل مهمی در مرزهای خود از ترکیه در شمال تا سوریه در غرب روبه روست؛ دنبال ساخت عراقی است که وابسته به آمریکا یا ایران نباشد. اما به این نکته توجه کنید که السودانی می گوید «رابطه راهبردی با آمریکا و رابطه دوستانه با ایران» که تفاوت این دو نگاه با یکدیگر کاملاً روشن و مشهود است. این سیاست ها طبیعتاً با سیاست های دیگر گروه های شیعه و حشدالشعبی متفاوت است.»

▼ اکثر احزاب شیعه عراق با ایران ارتباط خوبی دارند

محمد صالح صدیقیان، کارشناس مسائل عراق نیز به هم میهن گفت: «باید به این نکته توجه کرد که شیعیان عراق ۶۵ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می دهند، در ۹ استان عراق هستند و همواره اکثریت کرسی های مجلس را در اختیار داشتند. یعنی این مسئله ارتباطی به ایران ندارد. در عراق شیعیان ضد جمهوری اسلامی هم وجود دارند که البته تعدادشان زیاد نیست و در این انتخابات هم پیروز نشدند اما احزاب سیاسی شیعه که در این انتخابات بودند و کرسی ها را به دست آوردند، همواره با ایران روابط خوبی داشتند.» او در ساره اینکه نگاه غالب در ایران، جریان های سیاسی شیعه و برخی گروه های خاص را متحد ایران می داند، گفت: «در ۲۲ سالی که از سقوط صدام و برگزاری ۶ انتخابات در عراق می گذرد، مردم عراق به یک بلوغ سیاسی رسیدند که در این انتخابات هم به خوبی مشخص بود. همانطور که دیدیم در جنگ ۱۲ روزه، گروه های مقاومت عراقی با گروه های حشدالشعبی هیچ عکس العملی از خود نشان ندادند. دست به عملیات نظامی زدند و در حالت بی طرفی ماندند، چرا که به نظر من مصلحت عراق را در نظر گرفتند. همگی از سودانی که نخست وزیر بود تا هادی العامری در این موضوع اتفاق نظر داشتند.» صدیقیان ادامه داد: «در عراق همواره یک چالش بزرگ داریم و آن هم وجود سلاح خارج از چارچوب دولت است. در مناطق شیعه نشین، اهل سنت و کردستان این سلاح خارج از چارچوب دولت وجود دارد. به خصوص در میان شیعیان، ما دو گروه داریم که یکی حشدالشعبی است که بخشی از نیروهای مسلح عراق محسوب می شود؛ یکی هم گروه های مسلح موسوم به مقاومت مانند کتابت حزب الله و کتابت سیدالشهدا که خارج از این چارچوب هستند و زیر کنترل دولت نیستند. این ها سلاح دارند و می گویند که ضد آمریکا و اسرائیل هستند و آمریکا فشار زیادی برای مقابله با آن ها می آورد. باید دید که مجلس و دولت بعدی می تواند این گروه ها را زیر نظر دولت بیاورد یا نه. همانطور که این دولت تلاش کرد تا هماهنگی هایی انجام دهد تا این گروه ها بعد از ۷ اکتبر عملیات هایی که علیه اسرائیل در بلندی های جولان انجام می دادند را متوقف کنند. خود آن ها هم با گروه های دیگر مقاومت در یمن و لبنان هماهنگی داشتند. بعضی از فرماندهان این گروه ها هم در حملات آمریکایی ها - بعضی نیز می گویند حملات اسرائیل بود - شهید شدند. این گروه ها در جریان جنگ ۱۲ روزه ایران و آمریکا هم وارد عمل نشدند. چون همان زمان هم آمریکایی ها فشار زیادی به سودانی آوردند که این ها فعالیت نکنند و خود آقای سودانی هم با آن ها هماهنگی هایی می کرد و آن ها را در جریان این فشار ها قرار می داد. چرا که حساسیت های خاصی روی آنان وجود دارد.»



سعید جلیلی و جریان سیاسی پایداری است. اما نکته جالب توجه این بود که انتساب مذکور، به صورت مستقیم و غیر مستقیم از سوی این جریان رد شد. همچنین این موضوع در توییتز از سـوی علی مـروی، اسـتاد اقتصاد دانشگاه علامه مورد توجه قرار گرفت که «او نه عضو ستاد سعید جلیلی بوده و نه او به رای داده است.»

▼ حمایت های محکم از انتخاب پز شکیان

انتصاب سقاب اصفهانی به عنوان معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان بهینه سازی و مدیریت راهبردی انرژی همان اندازه که منتقدهای پوپاقرصی داشت، با حمایت های محکمی هم روبه رو شد.

صادق الحسینی، کارشناس اقتصادی و مشاور سابق عبدالناصر همتی با انتشار پستی در توییتز اظهار داشت: «سقاب اصفهانی بدون اغراق بهترین انتصاب دولت تا به امروز است. آلهانی که علم مخالفت بر داشته اند یا به خوبی او را و مواضعش را نمی شناسند که خب ضعف و ایراد اوست و باید در طول زمان خودش را اثبات کند. اما غالب مخالف ها تا سوی آنها نیست که او یا تیمش را می شناسند و می داندند که قرار است چه رانت بزرگی حذف و اصلاحات شروع شود!»

یک کاربر که خود را کارشناس حوزه انرژی معرفی می کرد نیز در پستی طولانی درباره سقاب اصفهانی و ادامه حضور او در ریاست جمهوری نوشت: «ایشان برنامه جامع جهت رفع ناترازی انرژی را با همکاری جمعی از نیروهای اندیشکده ای به رئیس جمهور پرزشکیان ارائه کردند که اتفاقاً مورد توجه و رئیس جمهور قرار گرفت و باعث شد ستاد تحول دولت نفع تنها منحل نشود، بلکه به ایشان فرصتی برای ارائه یک برنامه جامع در حوزه انرژی داده شود. بعد از یک سال کار فشرده و برگزاری صدها جلسه کارشناسی و ایجاد کارگروه های مختلف در دولت جدید، بالاخره اعتماد رئیس جمهور جلب شد و سکان به دست آقای سقاب اصفهانی داده شد. در حال حاضر هیچ تیم فکری به اندازه تیم ستاد تحول دولت بر موضوع ناترازی انرژی مسلط نیست و اتفاقاً تصمیم رئیس جمهور کاملاً منطبق بر رویکرد کارآمدی و عدم دخالت حب و بغض های سیاسی است.»

احمد عربانی

در حاشیه ماجرای بازیکن ملوان و مجری صدا و سیما



نگاه تحلیلگر

دو اتفاق و چند سوال

تأملی بر انتصاب های سوال برانگیز و تبعات سیاسی و اجتماعی آن

دفاع از کبان کشور پرداخت و در برابر همه همه ها و حملات لفظی و توهین ها با پس نکشید؛ همانگونه که در برابر محرومیت های تحصیلی و مخاطرات پانزده ساله چنین کرده بود. فردی با این حد از تاب آوری و صبوری و متانت اما چگونه شد که قالب تهی کرد و عطای ماندن را به لغایش بخشید؟ ما نه روانشناس هستیم و نه می دانیم در لحظات آخر بر او چه گذشته و چه اتفاقی منجر به چنین تصمیم ناخوشایند و غیر قابل توجیهی شده است. اما شاید امروز آن حکایت پاسبان کاخ در سرمای جاسوز زمستانی، در اینجا پریبراه نباشد که سال های سال به حرارت از محدوده خود می پرداخت و یک شب که پادشاه به بازدید آمد و وعده ارسال تن پوش داد و خلف وعده کرد، باعث یأس و ناامیدی و یخ زدگی او شد. در واقع، بسیاری به نگاه های تبعیض آمیز و مبتنی بر رابطه سالاری و فقدان شایسته گری می دانیم در طول سالیان متمادی عادت کرده بودند؛ اما انتظار نداشتند در دولتی که از حق و عدالت و انصاف دم می زند و بر این اساس، رای گرفته بر تغییر وضعیت تاکید کرده و از به کارگیری نخبگان و متخصصان گفته است، روند بسیاری از انتصابات در تعارض و تقابل جدی با انتظارات پیش رفته و در بر همان پاشنه سابق بچرخد.

انتصاب اسماعیل سقاب اصفهانی به معاونت ریاست جمهوری و رئیس سازمان بهینه سازی و مدیریت راهبردی انرژی، دومین خبر شوکه کننده آخر هفته گذشته بود. وی که از چهره های بسیار نزدیک به مرحوم رئیسی بود و همه مدارج ترقی را در دولت گذشته گذرانده و فعال انتخاباتی ستاد رقیب بود، در حالی عهده دار این سمت شده است که نه سابقه تحصیلی و نه رزومه کاری او کوچک ترین و کمترین ارتباطی با حوزه انرژی و تخصص در این زمینه ندارد. طر ف آنکه در برهه ای که وی ماموریت تشکیل سازمان بهینه سازی را بر عهده گرفت، حامیان وی چنین توجیه کردند که تخصص او در حوزه مدیریت تحول سازمانی است و در قوه قضائیه دوران سرچوم رئیسی و در دولت سیزدهم نیز عهده دار چنین مسئولیت هایی بوده است و قرار نیست او بر این جایگاه تکیه بزند و فقط آمده که در تشکیل سازمان تازه با توجه به آن سابق و تجربیات کمک دولت پرزشکیان باشد. البته که هیچ کارنامه ای از نتایج اقدامات ادعایی قبلی هم ارائه نشده است؛ اما حمل به صحت می کنیم و می پرسیم که ریاست بر یکی از کلیدی ترین مناصب حوزه انرژی آن هم در برهه حساس و تعیین کننده فعلی در زمینه حوزه ناترازی و نیز اصلاحات قیمتی حامل های انرژی که قطعی و گریزناپذیر می نماید و کوچکترین فعل و انفعال غیر حساب شده در آن می تواند تبعات سهمگین و بنیادین سیاسی و اجتماعی و ساختاری بر جای گذارد، چگونه و بر چه اساسی به این برادر گرمی تفویض شده است؟

سخن آخر آنکه در حالی که بسیاری از نخبگان و محذوفان همیشگی، در کنج عسرت و عزلت هستند و برای برآمدن این دولت اهتمام و تلاش جدی داشته اند و دلخوش به وعده های اعلامی دولت، از هیچ تلاشی فروگذار نکرده اند، چگونه با چنین انتصاب های عجیب و سوال برانگیزی از دایره خودی های همیشگی و نامیده گیری مرزین تخصص گرایی و شایسته سالاری، امید خود را حفظ و برای فردایی بهتر تلاش کنند؟



رضا رئیسی

روزنامه نگار و تحلیلگر سیاسی

انتهای هفته گذشته، دو خبر غافلگیرکننده و شوک آور برای اهالی رسانه و کنشگران فضای سیاسی موجب بهت و حیرت شد و در شبکه های اجتماعی و افکار عمومی و به خصوص در طیف حامیان انتخاباتی دولت، موج آفرین و واکنش برانگیز شد؛ دو خبری که شاید در وهله اولیه و نگاه ابتدایی، هیچ سنجیت و تقارن و قرابت معناداری با یکدیگر نداشتند؛ چرا که اولی از جنس فقدان و مرگ و تلخی جاسوز آن بود و خبر دیگر، از جنس انتصاب و خلعت گیری و منزلت دهی به دیگری. اما اگر با اندکی تأمل و تعمق به این دو رویداد بنگریم و لایه های پیدا و پنهان آن را توفی پرزیم، اتفاقی توالیم رگه های مشترکی در بروز و ظهور این وقایع را استنتاج و گره برداری کنیم، شاید که با بازنگار چنین اتفاقات ناگواری بکاهیم. پس از قلهرنی روند مشارکت و شور و شغف انتخاباتی در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۶، با وقوع تکانه ها و تلاطم های پسینی در سال های بعدی، روند مشارکت برآمده از نشاط سیاسی و اجتماعی دچار شیب نزولی محسوس و عیان و نموداری شد. تا آنکه در روزهای گرم و پر حرارت خرداد و تیرماه سال ۱۴۰۲ و در اندک فرصت تبلیغات انتخاباتی، حضور کاندیدایی که وعده وعید خاصی نمی داد، شعارهای عوام فریبانه نداشت و از حق و عدالت و انصاف سخن می گفت، توانست به رغم اتفاقات پردامنه سال ۱۴۰۱ که می توانست آن شیب نزولی را قهقریایی کند، سمت و سویی تعدیلی به روند معادلات پیدا کرد و خروجی آبرومندانه ای به روند مشارکت اجتماعی بخشید. مسعود پرزشکیان به رغم بفرنج بودن شرایط اقتصادی و حساسیت های ویژه در این زمینه، وعده های طلایی و حاتم بخشی های دیگر نامردها را انداد، از افزایش نجومی پرداخت پراانه نگفت و ادعای همه چیزدانی هم نکرد و از برزنه های کذابی و چندرازه صفحه ای نیز سخن نگفت. اما او مختصر و مفید، چند وعده ساده و شفاف داد که یکی از مهم ترین و پرطنین ترین آن شعارها، واگذاری امور به متخصصان و نخبگان و در یک کلام شایسته سالاری بود. او می خواست صدای بی صدایان باشد و دایره تنگ و ترش همیشگی خودی و نخودی بازی ها را ترک دهد و راهی برای حضور حذف شدگان همیشگی بگشاید. اینگونه شد که امثال فواد شمس، که سال های سال طعم تلخ و گس خاص نگر ی ها را چشیده و قربانی نگاه های تبعیض آمیز و ناروا شده بودند، با تمام توان به میدان آمدند و بی هیچ مکث و طمأنینه و چشمداشت خاصی، استئین ها را بالا بردند و به دل کارزار انتخاباتی زدند؛ در آستانه چهل سالگی، فواد شمس، بهترین سال های جوانی و حس رزندگی خود را از دست رفته می دید؛ اما او اهل پاپس کشیدن و ادا و اطوارهای روشنفکر مایانه و غرغره های مرسوم و متداول نبود، آنچنان که حتی بعد از بی مهری های پسا انتخاباتی در جریان جنگ ۱۲ روزه و یسا پیش تر از آن در جریان تحولات منطقه ای و همه و حملات براندازان، تمام قیاد ی کار ایران ماند و با سینه ستبر به

